

دستفروشی که اولین قتل سیاسی ایران را رقم زد

۲۱ مرداد ۱۳۹۳ ساعت ۱۶:۰۰

میرزا رضا کرمانی در ۱۷ اردیبهشت ۱۲۷۵ هجری شمسی زمانی که ناصرالدین شاه قاجار به مناسبت پنجاهمین سال سلطنت خود را جشن می‌گرفت، با یک گلوله شاه ایران را کشت و اولین قتل سیاسی در تاریخ مدرن ایران را رقم زد و ۲۱ مرداد ۱۲۷۶ اعدام شد.

میرزا محمدرضا کرمانی اصالتا یزدی بود و در سال ۱۲۲۶ در کرمان متولد شد. حاکم کرمان، اسماعیل خان وکیل‌الملک، زمین و دارایی میرزا رضا را از او گرفت و به شخصی به نام ابوجعفر داد. پس از این بود که او در آغاز جوانی برای شکایت از حاکم کرمان به تهران آمد و مشغول دستفروشی و سمساری شد و به تدریج در بازار تهران اعتباری به دست آورد. چنان که «عبدالله مستوفی» نوشته است: «همیشه با بقچه‌ای از شال و برگ و خرده‌ریز دیگر به مجلس اعیان وارد می‌شد.»

انگیزه‌هایی برای قتل شاه

او که در جریان شکایت از حاکم کرمان مورد آزار نائب‌السلطنه کامران میرزا قرار گرفت، بیش از ۴ سال به همراه حاج سیاح محلاتی و چند تن دیگر در قزوین زندانی شد. در همین زمان بود که به گفته خود او، همسرش طلاق گرفت، فرزند شیرخواره او سر راه افتاد و پسر ۸ سال‌اش مجبور به خدمتکاری شد.

میرزا رضا کرمانی پس از آزادی از زندان با سیدجمال‌الدین اسدآبادی که در آن زمان در تهران زندگی می‌کرد آشنا شد و به شدت از او تاثیر پذیرفت. علاوه بر ظلم‌هایی که بر شخص میرزا رضا رفته بود و او را وادار به انتقام می‌کرد، برخورد قهرآمیز و خشونت‌بار دولت قاجار با سیدجمال‌الدین اسدآبادی و تبعید او به خارج از ایران هم انگیزه‌های میرزای جوان را تقویت می‌کرد.

میرزا رضا در بازجویی‌هایی که پس از قتل با او صورت گرفته می‌گوید: سال‌هاست که به این منوال سیلاب ظلم بر عامه رعیت جاری است. مگر این سیدجمال‌الدین، این ذریه رسول، این مرد بزرگ چه کرده بود که به آن افتضاح او را از حرم عبدالعظیم بیرون کشیدند، زیرجامه‌اش را پاره کردند، آن همه افتضاحات به سرش آوردند. او غیر از حرف حق چه می‌گفت؟ اینها ظلم نیست؟ اینها تعدی نیست؟»

ناظم الاسلام کرمانی تاریخ نگار شهیر دوران قاجار و عصر مشروطه که به طور اتفاقی در روز حضور شاه در حرم حضرت عبدالعظیم به آنجا رفته بود، در «تاریخ بیداری ایرانیان» می نویسد: اتفاقاً در آن روز به زیارت حضرت عبدالعظیم رفته بودیم. در مدرسه نشستیم و منتظر رفتن شاه شدیم که یک دفعه دیدیم درها را می بندند و می گویند شاه را تیر زده اند. چون تا یک اندازه احتمال صدور این امر را از میرزا رضا می دادیم، رفتیم دم منزل او که استعلامی کنیم. شخصی فراش آنجا ایستاده بود و گفت آقایان زود بروید و در اینجا نمانید که برایتان خطر دارد.»

در ادامه شرح «تاریخ بیداری ایرانیان» از روز ترور ناصرالدین شاه آمده است: «باری فوراً از دور سلامی به حضرت عبدالعظیم داده و روانه شهر شدیم. در بین راه کالسکه شاهی را دیدیم که با سوار زیادی به شهر می آورند. به فاصله ۵۰۰ قدم میرزا رضا را در درشکه سوار کرده و متجاوز از ۵۰۰ نفر سوار، اطراف او را گرفته بودند و می آوردند به شهر.»

نکته بسیار خواندنی در روایت ناظم الاسلام کرمانی، اشاره به حالات میرزا رضای کرمانی پس از دستگیری است: «میرزا رضا با نهایت قوت قلب و یک اطمینانی که از جبهه بیگناهان مشهود می شد، به اطراف خود می نگریست و نظاره مردم می کرد. گویا به لسان حال می گفت ای اهل ایران من به تکلیف خود عمل نمودم و درس خود را به شما تعلیم کردم.»

آخرین جمله ناصرالدین شاه

میرزا محمدخان امین خاقان پیشخدمت شاه درباره روز قتل ناصرالدین شاه در حرم حضرت عبدالعظیم می گوید: «وقت ظهر ناصرالدین شاه و صدر اعظم وارد صحن حضرت عبدالعظیم شدند... از سمت چپ شاه و از میان دو زن، شخصی دست از زیر عبا در آورده و کاغذ بزرگی به عنوان عریضه به طرف شاه دراز کرد و هنوز به شاه نرسیده صدای شش لول از زیر کاغذ عریضه بلند شد. همین قدر شاه مجال کرد که گفت: «حاجی حسینعلی خان مرا بگیر». حاجی حسینعلی خان و یکی دو نفر دیگر شاه را گرفتیم و به مقبره ولیعهدی بردیم. شاه آه بلندی کشید و دیگر نفس نکشید.»

پس از آنکه یک گوش میرزا رضای کرمانی را در حرم حضرت عبدالعظیم بریدند، او را به تهران آوردند و در اتاق کوچکی زندانی کردند و چنان او را کتک زدند که تا شب بیهوش افتاده بود. مدتی هم در مستراح کوچکی در نارنجستان شاه نگهداری می شد. بازجویی از میرزا رضا به ابوتراب خان نظم الدوله واگذار شد. گزارش این بازجویی اولین بار در شماره ۹ و ۱۰ روزنامه صور اسرافیل در ۲۴ اسفند ۱۲۸۶ منتشر شد.

باید تمام مردم کرمان را از دم تیغ بگذرانم

مظفرالدین شاه ۱۵ مرداد ۱۲۷۵ شمسی وارد تهران شد و پس از آنکه بر مزار پدر رفت، در تالار عمارت بادگیر بر تخت طاووس نشست و شاه ایران شد. پس از آن بود که زندان میرزا رضا تغییر کرد و او را به سربازخانه‌ای نزدیک میدان ارک بردند و سپس به یکی از اتاق‌های اندرون عمارت شاه سابق.



میرزا رضا کرمانی در این عکس مشخص است. اما شاید ندانید نگهبان او پدر رضاخان بوده است

بر همگان واضح بود که میرزا رضا بلافاصله اعدام می‌شود، اما این‌گونه نشد و نزدیک به ۴ ماه در زندان نگاه داشتند تا بتوانند همدستان و شرکای جرم را کشف کنند. گرچه معلوم شد او از ابتدا تا انتهای کار تنها بوده است.

مظفرالدین شاه با اعدام میرزا رضا مخالف بود و بارها از او نقل شده بود که «قصاص و کشتن میرزا، تشفی قلب من نیست. من اگر بخواهم انتقام بکشم، باید تمام اهل کرمان را از دم تیغ انتقام بگذرانم.» اما سرانجام شاه تازه به تخت نشسته به تحریک یکی از مقامات دربار دستور قتل قاتل پدر را صادر کرد.

منبع: مهر

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۷۷۸۱/ز-د-رقم-ایران-سیاسی-قتل-اولین-دستفروشی/>